



NODY.IR

شرح درس علم النفس

نکات مهم و کلیدی

ارائه آزمون خودسنجی جهت آمادگی هرچه بهتر دانشجویان

نام استاد: حمیده بابایی

babae.9



Instagram

کلیات

علم نفس ← علم = دانستن ← نفس=روان ← علم نفس = شناخت روان

چرا باید علم نفس از دیدگاه های دانشمندان اسلامی مطالعه کنیم؟
تنها دینی همه جانبه و کلی
کلمه روح ۳۶۷ بار در قرآن تکرار شده
منشا علم نفس ماورالطبیعه بوده

در علم نفس سه دیدگاه داریم
فلاسفه یونان باستان مثل: افلاطون، ارسطو
فلاسفه ایرانی و اسلامی مثل: کندی، فارابی، غزالی، ابن سینا، ملاصدرا، شیخ اشراق
منابع دینی

در علم نفس آراء چندین گروه داریم

- فلاسفه
- عرفا
- متکلمین
- محدثین

تقسیم بندی علم

- علم نظری
 - طبیعیات
 - ریاضیات
 - الهیات
- علم عملی
 - اخلاقیات
 - منزلیات
 - سیاسیات

تعاریف

جوهر ← عصاره اصلی هر چیزی

عرض ← غیر اصلی بودن

بقاء ← ماندگاری و پایداری

فناء ← نابودی و از بین رفتن

قوه (بالقوه) ماده، هیولا ← توانایی، استعداد

به فعل ← شکوفایی استعداد

بسیط ← گستردگی

مرکب ← ذات

استکمال ← توانایی به کمال رسیدن نفس در آینده

حادث و قدیم ← قدیم مترادف با آفرینش اول و حادث مترادف با آفرینش دوم

تعاریف نفس از دیدگاه های مختلف

نفس از دیدگاه افلاطون ← نفس جوهری بسیط است

نفس از دیدگاه ارسطو ← نفس نخستین استکمال جسم طبیعی بالقوه دارای حیات.

نظرات دانشمندان در باب حدوث و بقای نفس

۱- نفس جسمانیه الحدوث والبقاء

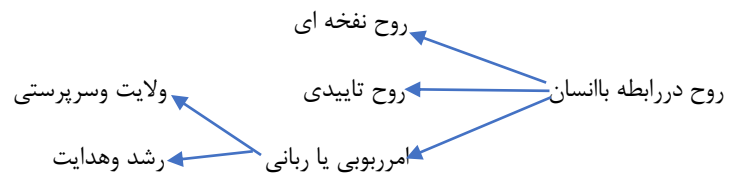
۲- نفس روحانیه الحدوث والبقاء

۳- نفس روحانیه الحدوث وجسمانیه البقاء

۴- نفس جسمانیه الحدوث وروحانیه البقاء

تعریف روح و نفس

تعریف روح: روح حقیقتی است که هیچ گاه از بین نمی رود و به عنوان موجودی مجرد، غیرمادی، مستقل و درعین حال مرتبط با عالم جسمانی و مادی است.



تعریف نفس از دیدگاه قرآن

۱- در قرآن نفس به معنای روح، جان و حیات حیوانی

وماکان لنفس ان تموت الا باذن الله

کل نفس ذائقه الموت

الله یتوفی الانفس حین موتها

۲- نفس به معنای روان یا نفس انسانی

وذكر به ان تبسل نفس بما کسبت

۳- نفس به معنای شخصیت شکل یافته و متعادل و شخص خاص

لا تکلف نفسا الا وسعها

۴- نفس به معنای وجدان نفسانی یا خودآگاهی

کل نفس ذائقه الموت ونبلوکم بالشروالخیرفتنه والینا ترجعون

علمت نفس ما قدمت واخرت

۵- نفس به معنای اصل ثابت انسانی و خودآگاهی

ونفس وما سویها فألهمها فجورها وتقویها

۶- نفس به معنای نفس حیوانی یا نفس تعالی نیافته

ما بری نفسی ان النفس لاماره بالسوء الا مارحم ربی ان ربی غفوررحیم

۷- نفس در معنی اصل و بن انسانی

یا ایها الانسان اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده

۸- نفس در معنی درون انسان (قلب و باطن آدمی)

ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یغیروا ما بانفسهم

والله یعلم ما فی قلوبکم

۹- نفس به مفهوم ذات الهی

واصطفیتک لنفسی

ویحذركم الله نفسه والله رثوف بالعباد

۱۰- نفس در معنای عقوبت

ومن يفعل ذلك فليس من الله في شيء الا ان تتقوا منهم و يحذركم الله نفسه

۱۱- نفس به معنای تمایلات نفسانی و خواهش های وجود انسانی

يا ايها النفس المطمئنه ارجعي الى ربك راضيه مرضيه

۱۲- نفس به معنای علم

ان كنت قلته فقد علمته تعلم مافي نفسي و لا اعلم مافي نفسك

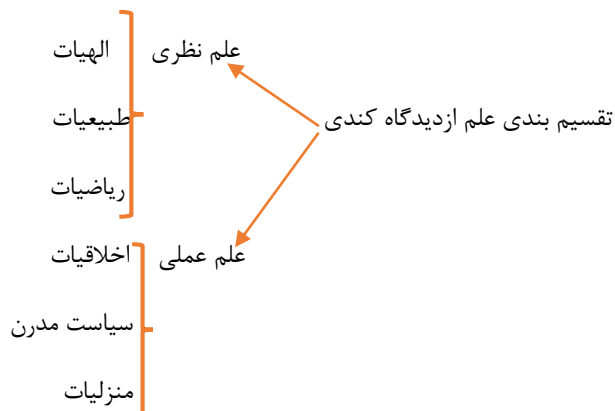
کندی

کندی منجم، فیلسوف عرب، نخستین حکیم اسلامی است. دیدگاه کندی در مورد تعریف نفس تحت تاثیر ارسطو است

تعریف نفس از دیدگاه کندی: نفس نخستین استکمال جسم طبیعی بالقوه دارای حیات است. که نه طول دارنده عرض نه عمق و ارتفاع

نظریه کاروان کندی

ما در این جهان کاروانی هستیم که از پیل می گذریم و درنگی نخواهیم داشت و قرارگاه اصلی ما عالم پس از مرگ که به آن منتقل می شویم



نظریه تطهیر نفس (خلاصی نفس)

فلک قمر - فلک کوکب - فلک اعلی = عالم عقل

رابطه نفس و بدن

علاقه نفس به بدن یا همون جسم علاقه عارضی و اتحادی است

قوای نفس چیه: نفس طالب کمال است و برای رسیدن به آن به سه سری ابزار نیاز دارند (این ابزار: توانمندی های روانشناختی اند)

کندی در باب قوای نفس آمیزه ای از ارسطو و افلاطون است

قوای نفس از دیدگاه کندی

دو قوه بزرگ داریم ۱-حسی ۲-عقلی

جایگاه همه قوا: دماغ یا همون مغز

- ۱-قوه حسی (حواس ۵گانه)
- حس بینایی
- حس بویایی
- حس چشایی
- حس شنوایی
- حس لامسه

- قوای متوسطه
- ۱-قوه مصوره
- ۲-قوه حافظه
- ۳-قوه غضبیه ← غلبیه
- ۴-قوه شهویه ← غلبیه
- ۵-قوه غذایی
- ۶-قوه نامیه (منمیه)

- ۲-قوه عقل، عاقله
- ۱-عقل بالقوه
- ۲-عقل بالفعل (عقلی که از قوه به فعلیت تبدیل می شود)
- ۳-عقل ظاهر
- ۴-عقل همیشه بالفعل

نظریه معرفت کندی

معرفت دو نوع است ← حسی ← درظواهر اشیاء متوقف می شود
عقلی ← به حقایق اشیاء می پردازد

نظریه کندی خواب، رویا

خواب ← ترکیب استعمال و استفاده تمامی حواس به وسیله نفس.

رویا ← کاربرد فکریه وسیله نفس و قطع کاربرد حواس.

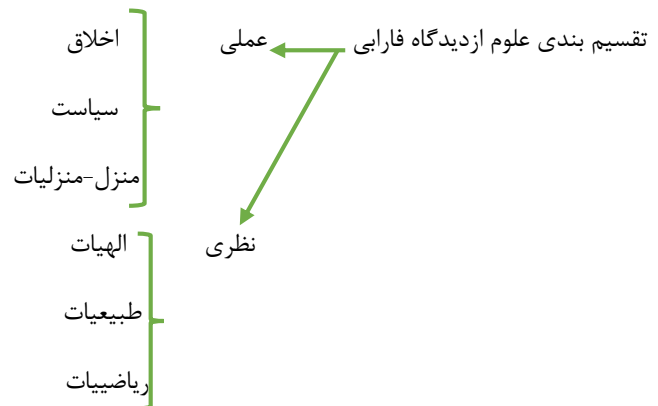
فارابی

لقب معلم ثانی دارد، در تعریف نفس مثل ارسطو است .

تعریف نفس از دیدگاه فارابی: نفس نخستین استکمال جسم طبیعی بالقوه دارای حیات که مباین است با جسم

نفوس از دیدگاه فارابی

فارابی به سه دسته نفس نباتی- حیوانی - انسانی معتقد بود و نفس چهارمی به نام نفس فلکی اضافه کرد



*فارابی در این تقسیم بندی فقه و کلام اضافه کرد

اثبات وجود نفس روحانی از دیدگاه فارابی

۱- درک مفاهیمی که مجرد از ماده هستند امکان پذیر است.

۲- جمع اعداد در نفس ممکن است.

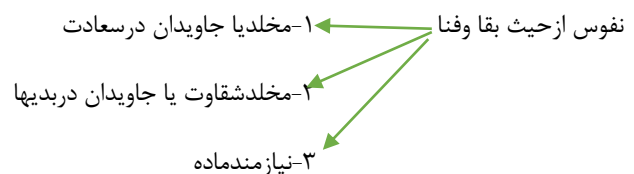
۳- نفس دارای شعور است.

۴- نفس جوهری است باقی.

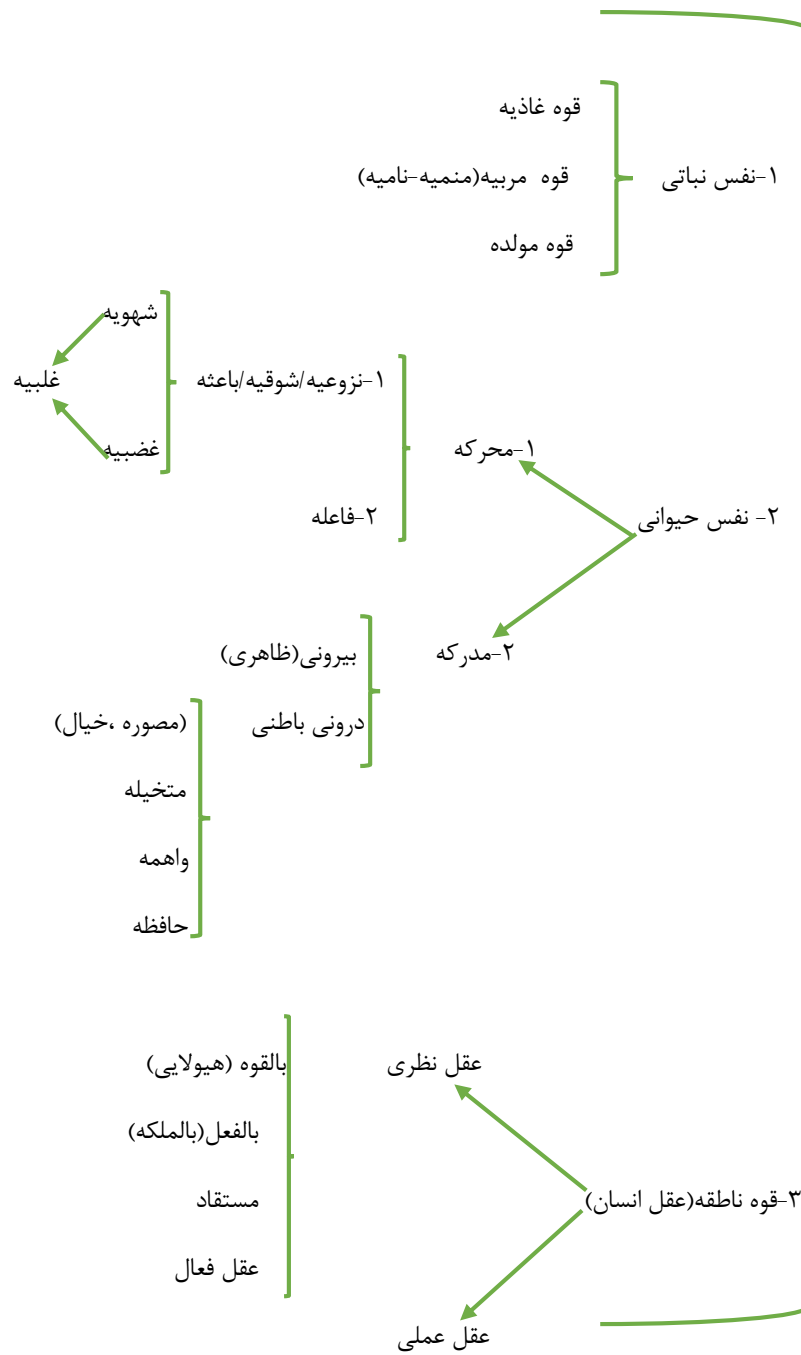
نظریه شهر جسم

شهر جسم همانند یک شهر اداره می شود همان طور که هر قسمت یک شهر توسط یک فرد اداره می شود و در عین حال یک فرمانده کلی

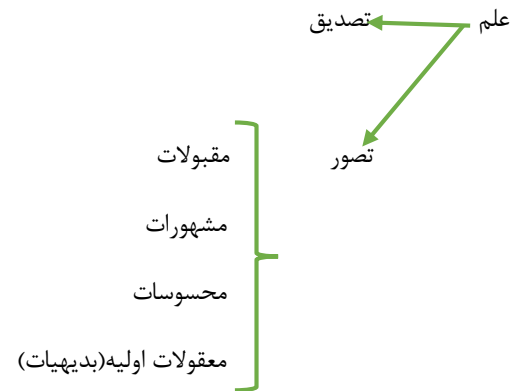
نیز دارد شهر جسم در هر قسمت بخصوص توسط یک عنصر واحد اداره می شود. حکمرانی کلی در شهر جسم به عهده قلب است.



قوای نفس از دیدگاه فارابی



اقسام علم (آگاهی از دیدگاه فارابی)



*فارابی در تعریف نفس ارسطویی عمل می کند اما در حوزه روحانی بودن و غیرمادی بودن نفس به آراء افلاطون نزدیک تر است.

*عقل هولایی (استعداد) بالملکه (درک اولیه) مستفاد (کمال)

*واسطه ارتباط با عقل فعال عقل مستفاد است عقل مستفاد شبیه عقل ظاهرکننده است.

نظریه فارابی در رابطه با حادث و قدیم بودن نفس

جسم مبتنی بر قدیم بودن و حادث بودن نفس است یعنی وجودش قبل از جسم نبوده است.

ابن سینا

تعریف نفس از دیدگاه ابن سینا: نفس نخستین استکمال جسم طبیعی آلی است که روحانی و بسیط است.

رابطه، علاقه، مشارکت نفس و جسم

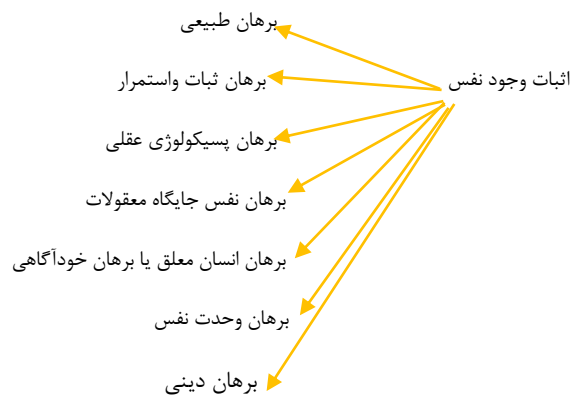
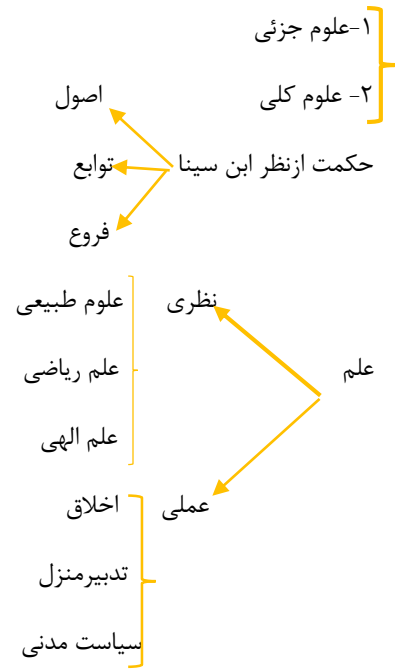


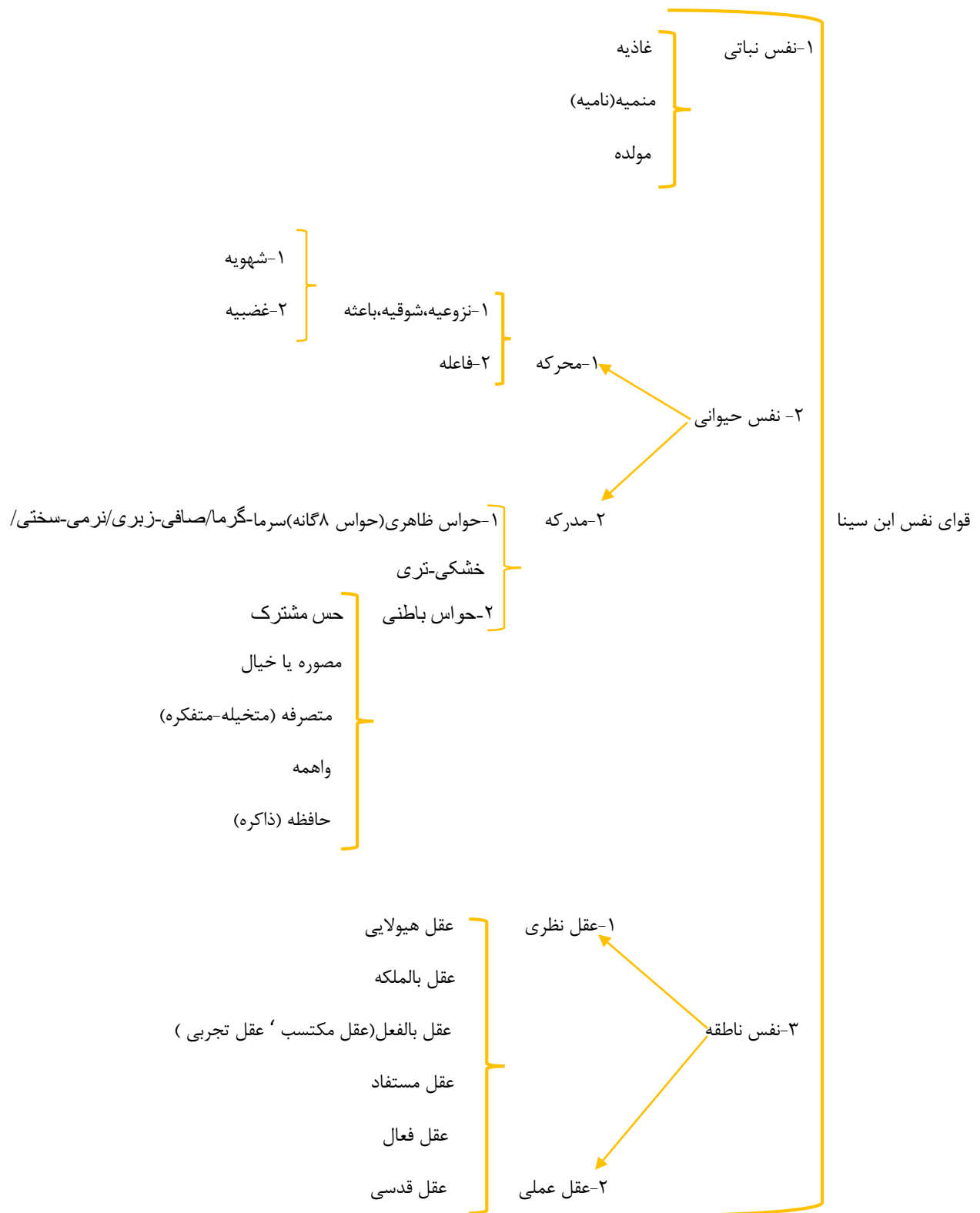
تعریف و تقسیم بندی کمال از دیدگاه ابن سینا: کمال اول (اصلی)

کمال دوم (ثانی، عارضی، غیر اصلی)

حادث و قدیم بودن نفس از دیدگاه ابن سینا

معتقد است در آفرینش نفس و جسم هیچ تاخیر و تاخوری وجود ندارد و خداوند نفس و جسم را همزمان بایکدیگر می آفریند.





تفاوت جاهل وعالم از دیدگاه ابن سینا: عالم استعدادفراگیری معقولات دارد اما جاهل این استعداد ندارد.

*مولده رئیس نفس نباتی

واهمه رئیس نفس حیوانی

عقل مستفاد رئیس عقل نظری (نفس ناطقه)

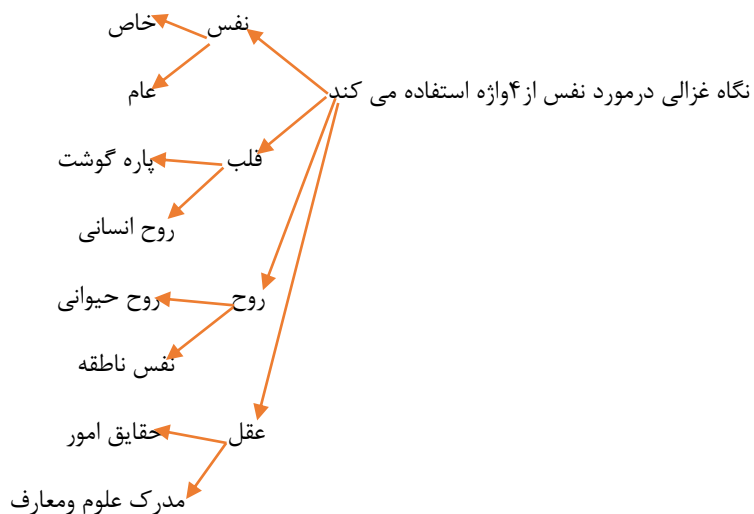
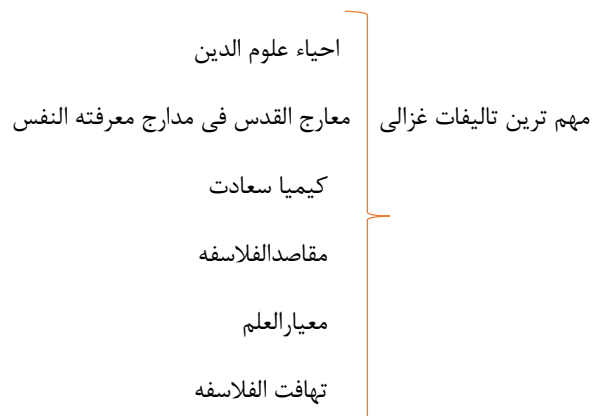
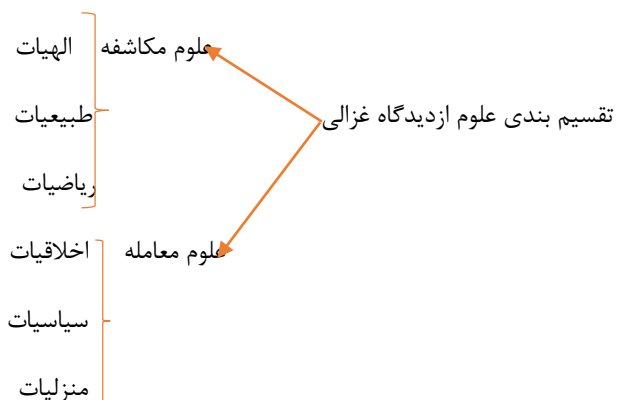
هرقوه برای قوای مافوق خود نقش مادی و خدمتگذار دارد

غاذیه و نامیه خدمتگذار واهمه اند

متصرفه خدمتگذار واهمه اند

هرقوه برای قوای زیرین خود نقش حاکم و رئیس دارد

غزالی



وجود نفس و رابطه نفس و بدن از دیدگاه غزالی

از دلایل شرعی و براهینی که غزالی آورده است معلوم می شود نفس جوهری قائم به ذات خود است غزالی معتقد است خدا انسان را از دو چیز مختلف آفریده ← جسم ← دستخوش کون و فساد یعنی مرکب است
 ← نفس ← جوهری بسیط و نورانی مدرک است

رابطه نفس و بدن

افلاطون و عرفا	ماز عالم بالاتر اومدیم به نام عالم مثل	رابطه زندان و زندانی
ارسطو	رابطه نفس و بدن رابطه صورت و بدن	نفس حاکم و رئیس بدن
ابن سینا	شوق و علاقه نسبت به بدن و نفس	بدن علت عارضی نفس
غزالی	رابطه جسم نسبت به نفس	جامعه نسبت به تن
ملاصدرا 'مطهری	رابطه جسم و نفس	وحدت بین نفس و بدن

قدیم یا حادث بودن نفس از دیدگاه غزالی

غزالی به حادث بودن نفس بیشتر اعتقاد دارد یعنی نفس قبل از جسم موجود نیست

علاقه نفس به بدن: غزالی معتقد است جسم نسبت به نفس مثل **جامه است نسبت به تن**.

خلود نفس (بقاء و ماندگاری نفس)

۱- روح ناطق فساد نمی پذیرد، فانی نمی گردد و نمی میرد

۲- روح ناطق نه جسم است نه عرض

۳- نفس پذیرای عدم نیست

۴- نفس وابسته به بدن نیست

۵- نفس بسیط است

۶- سرنوشت نفس به معرفت تمام می شود

نظریه معرفت

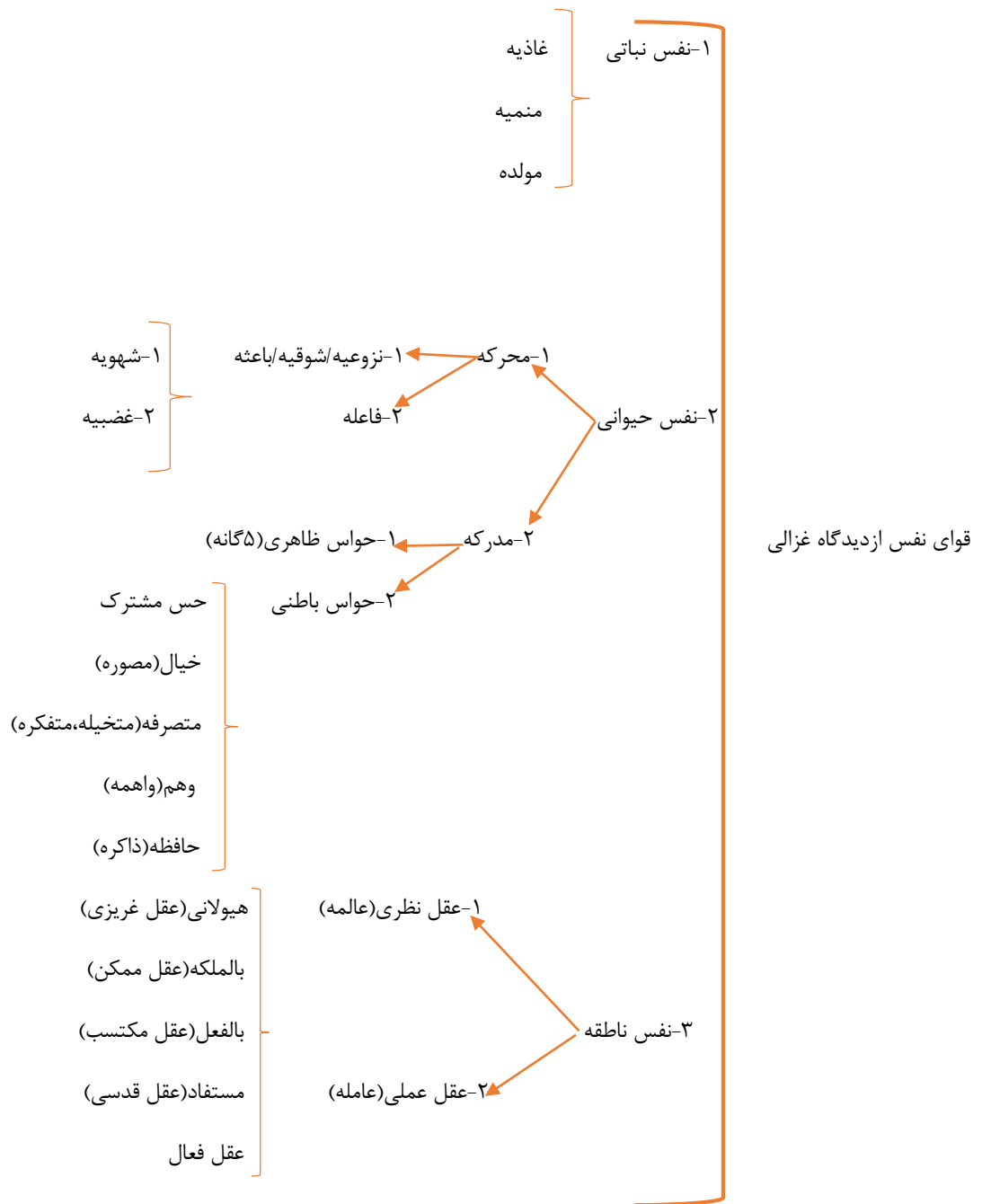
از نگاه غزالی معرفت **ربانی یا لدنی** والاترین نوع معرفت است

غزالی نفس می گه دو جنبه دارد ← جنبه اعلی

← جنبه سفلی

معرفت به ۴ گروه تقسیم می شود

- معقولات اولیه
- محسوسات
- مشهورات
- مقبولات



*تفسیر سوره نور و تطبیق آن به مراتب عقول

چراغدان ← عقل بالقوه، هیولانی زجاجیه ← عقل بالملکه مصباح یا چراغ ← عقل مستفاد ثار یا آتش ← عقل فعال

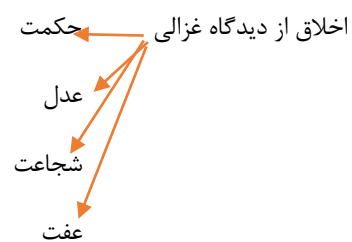
از دیدگاه غزالی نفس انسان چهارصفت دارد شامل:

چیره شدن غضب ← اعمال سبع (درندگان)

چیره شدن شهوت ← اعمال بهایم (چهارپایان)

چیره شدن امور ربانی

چیره شدن امور شیطانی



جایگاه های قوا در مغز

حس مشترک ← نخستین قسمت بطن اول جلوی مغز

قوه مصوره یا خیال ← آخرین قسمت بطن اول مغز

قوه متخیله ← نخستین جزء بطن سوم مغز نقش مهمی در خواب، رویا، وحی، نبوت دارد

ابزار قوه وهمیه ← تمام مغز اما مرکز آن بطن سوم به ویژه آخرین قسمت

حافظه ذاکره ← بطن آخر مغز

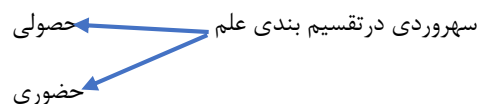
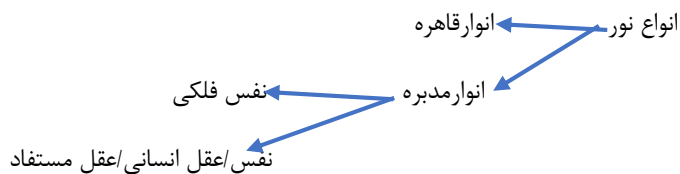
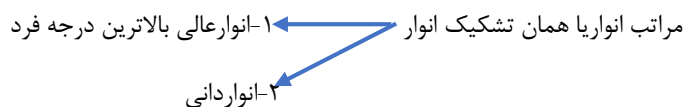
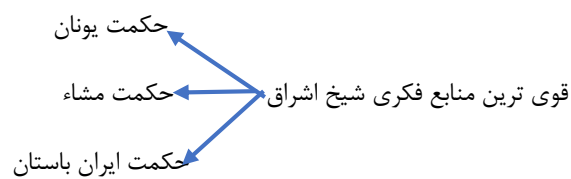
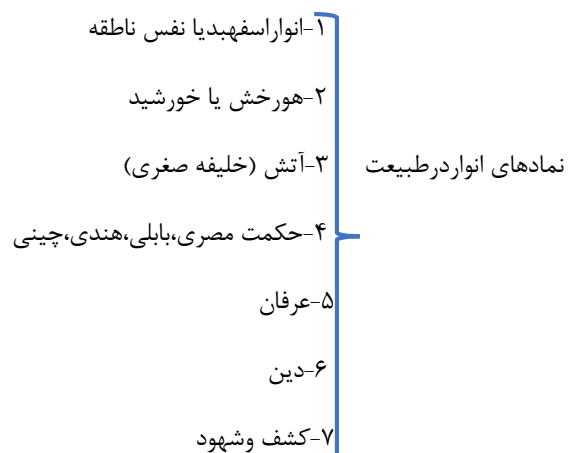
قوه ی محرکه فاعله ← عصب ها و ماهیچه ها

عقل مستفاد ← رئیس مطلق تمام قوا در خدمت او هستند

شیخ اشراق (سهروردی)

سهروردی معروف به شیخ اشراق برجسته ترین چهره های حکمت اسلامی و فرهنگ ایران زمین است.

تعریف نفس از دیدگاه شیخ اشراق: نفس نور مجرد است نوری که برگرفته از عالم الانوار است



رابطه بدن با نفس از دیدگاه سهروردی

سهروردی رابطه تدبیری میان نفس و بدن نمی پذیرد و اساس رابطه رو دو رابطه شوقی مبتنی بر شوق و کمال مناسب می داند

بقاء و فنا بودن نفس از دیدگاه سهروردی

ادله اول: نفس ناطق مجرد است و هر موجود مجردی فنا پذیر است

۲- ادله دوم: علت نفس جاودانه است پس معلول او دائمی است

قوای نفس از دیدگاه سهروردی

سهروردی به سه قوه نباتی، حیوانی، ناطقه مثل ابن سینا و دیگران اعتقاد دارد اما به سری تغییرات ایجاد کرد.

۱- اثبات ذاکره و رد حافظه و قوه خیال

۲- اثبات وحدت و اهمه، قوه خیال و قوه متخیله

۳- مغایرت نفس و قوه و اهمه

۴- مظهر بودن قوه خیال برای صور خیالی

۵- رابطه نفس با قوای ادراکی او

*دومفهوم جهان صورت های معلق و صورت از نظر سهروردی شبیه به مفاهیم ناخودآگاه جمعی والگوهای باستانی یا کهن الگوها در نظریه یونگ هستند.

اهمیت فلسفه اشراق از ۴وجه

۱- حکمت اشراق فلسفه را تا حد زیادی از طبیعیات مستقل ساخته

۲- حکمت اشراق عالم ملکوت را بین عالم طبیعت و عالم عقول واسطه قرار داده

۳- حکمت اشراق به علم حضوری تاکید بیشتری دارد

۴- علم نفس در حکمت از مباحث طبیعیات محسوب می شود

سهروردی کسانی که در پی معرفت اند به ۴گروه تقسیم کرده

۱- افرادی که تازه عطش و شوق دارند

۲- افرادی که استدلالی ندارند

۳- افرادی که به معرفت ظاهری دست یافتند

۴- افرادی که به حدکمال رسیدند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند این افراد را حکیم متاله می خوانند

ملاصدرا

حکیم صدرالمتألهین شیرازی (ملاصدرا) بنیان گذار حکمت متعالیه برای اولین بار علم نفس از طبیعیات خارج کرد و در قالب سفری جداگانه در کتاب اسفار اربعه بیان نمود

ملاصدرا بر تک بعدی بودن نفس تاکید دارد و نظریه وی دارای دورکن اساسی است ← تشکیک وجود
← جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء

حرکت جوهری ملاصدرا

در تاریخ فلسفه در این زمینه چهار نظریه اساسی مطرح شده است.

۱- نظریه الیائیان ← منکر وجود حرکت، پارمنیدس و زنون از نظریه پردازان این مکتب اند.

۲- نظریه اتمیسم ← حرکت را پذیرفته اند و آن را امری سطحی و غیر ذاتی در طبیعت یافت می شه از ذرات کوچیکی به نام اتم تشکیل شده

۳- نظریه مشائیان ← به پیروی ارسطو میان تغییر و حرکت تفاوت قائل می شوند و تغییر را به تغییر تدریجی و دفعی تقسیم می کنند.

۴- نظریه ملاصدرا (حرکت جوهری) عالم سراسر تغییر و دگرگون است و هیچ چیز ثابتی در عالم طبیعت وجود ندارد

از نگاه ملاصدرا نفس دارای سه مرتبه عقلی-خیالی-حسی است و هر کدام از این مراتب بر اساس اصل اتحاد دارد.

اتحاد ← عقل ، عاقل ، معقول

اتحاد ← تخیل ، متخیل ، متخیل

اتحاد ← حس ، حاسه ، محسوس

اسفار اربعه سفرهای چهارگانه

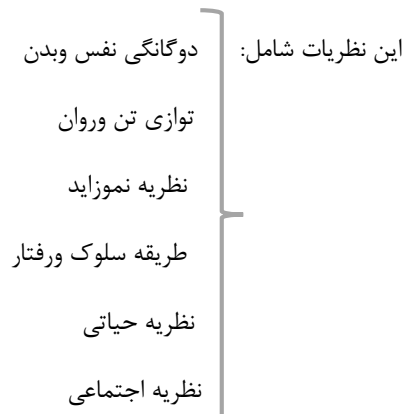
۱- سفر اول: سفر من الخلق الی الحق

۲- سفر دوم: سفر بالحق فی الحق

۳- سفر سوم: سفر الحق الی الخلق بالحق

۴- سفر چهارم: سفر فی الخلق بالحق

نظریات جدید در رابطه با نفس و بدن



آرای جدید راجع به عقل

علم انسان نتیجه رابطه و اثر متقابل حس و عقل است.

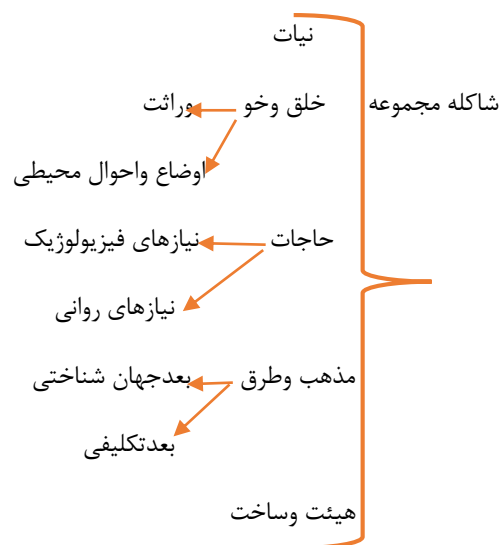
هانری برگسن ← معتقد است فکر منطقی و معقول زاده صنعت است

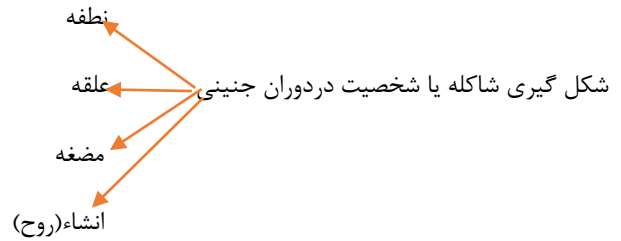
ویلیام جیمز ← فکر و عقل را تابع عمل (پراگماتیسم) می داند.

شکل گیری شخصیت

هدف روان شناسی اسلامی ← استکمال علمی است.

تعریف شاکله (مفهوم شخصیت) ← قرآن عمل انسان را مبتنی بر چیزی می داند که آن را شاکله می نامند منشاء اعمال آدمی است.

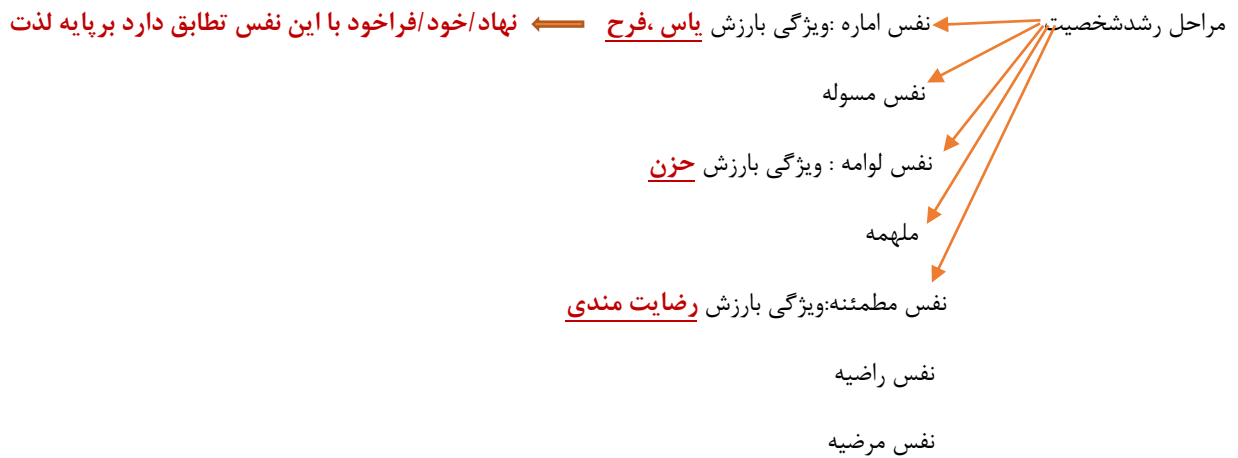




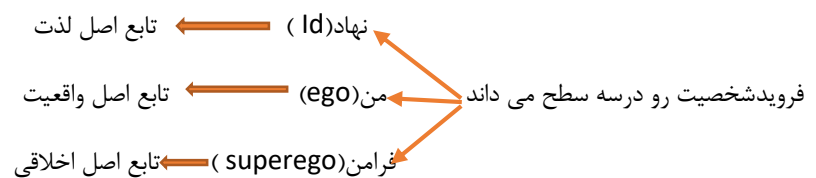
حادث وقدیم بودن نفس

نظریه حرکت جوهری کامل ترین نظریه در این باب بوده و در این راستا مطهری می نویسد:

انسان دارای دو بعد روحانی و جسمانی است مانند سکه ای که دو رو دارد و یا انسان را به خطی تشبیه کرد که دو صفحه را از یکدیگر جدا می کند



مقایسه نفوس با سطح شخصیت



مبحث عقل وقلب

عقل از لحاظ معنی فهم
درک
معرفت

عقل از لحاظ قرآن حجر
نهییه
لب

معانی دیگر عقل شعور
فقه
فکر
تذکر
بصیرت
درایت

معانی عقل در علوم
معنی عقل در فلسفه ← ای بررسی ماهیت هستی و اجزای آن
معنی عقل در اخلاق ← مطالعه اثر رفتار در زندگی خردمندان
معنی عقل در کلام ← بحث عقلی و استدلالی پیرامون مباحث دینی

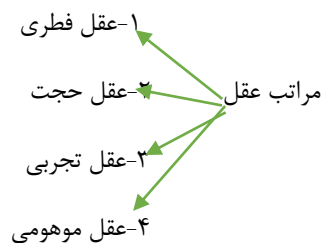
«احادیث مربوط به عقل: فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدا هم الله واولئک هم اولوا الالباب

اعقلو الخبر اذا سمعتموه عقل رعایه لاعقل روايه ' فان روا ' العلم کثیر و رعایه قلیل

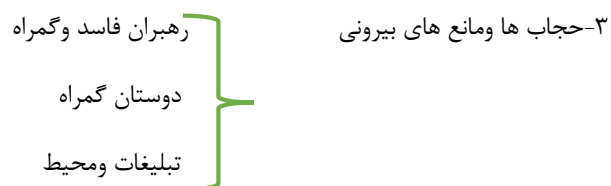
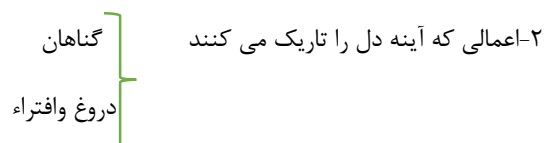
العقل ما عبده الرحمن واکتساب به الجنان

ما کان عاقلاً کان له الدین

حجه الله على العباد النبى والحجه فيما بين العباد وبين الله العقل

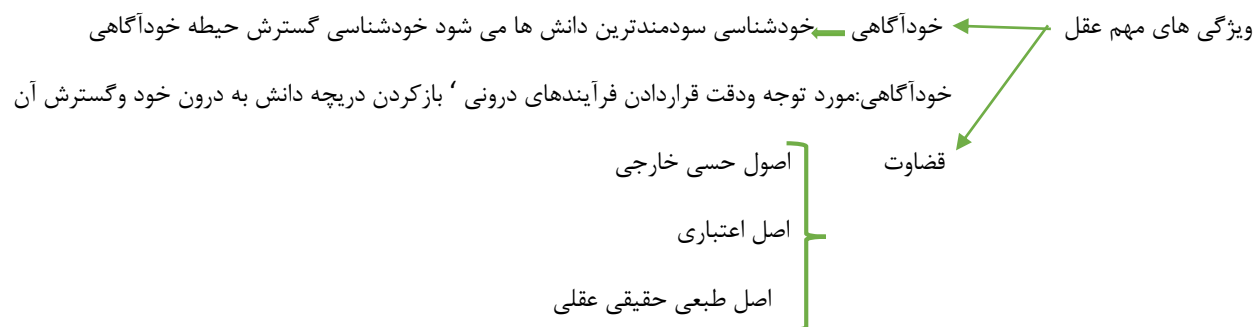


عوامل بازدارنده از رشد عقل و معرفت



***مهم ترین عامل بازدارندگی فرد از رسیدن به مراحل عالی تعقل (محیط نامناسب) 'پیروی از هوای نفس' نمایلات حیوانی**

***در قرآن بزرگترین لغزشگاه بشر که نمی زاره تفکر و ردنبال کنه پیروی از ظن و گمانه**

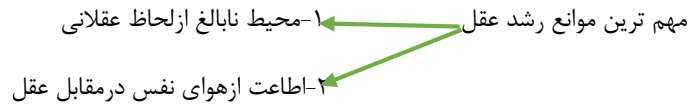


نکاتی در مورد خود آگاه و ناخود آگاه: در متون اسلامی هر جا سخن از معرفت شود مقصود حضور خود آگاه معقول انسان است .
حضور قلب اشاره به خود آگاهی دارد

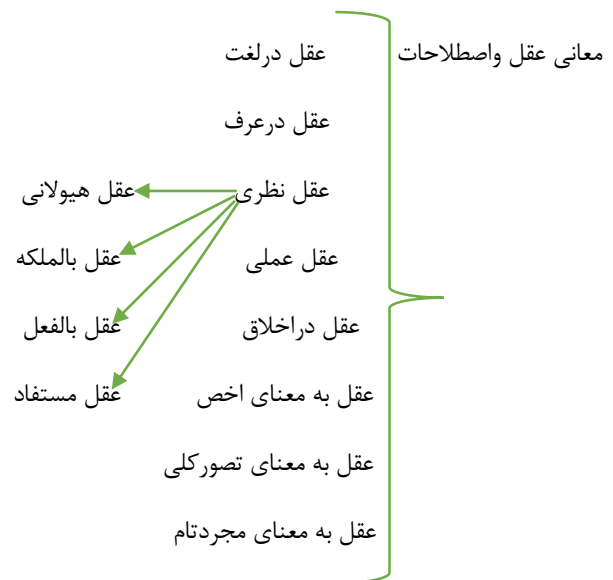
حکمت در قرآن عبارت است از: از قدرت عقلانی آدمی در شناخت هستی ' حکمت حقیقت جهان است که عقل را قادری سازد واجد آن باشد

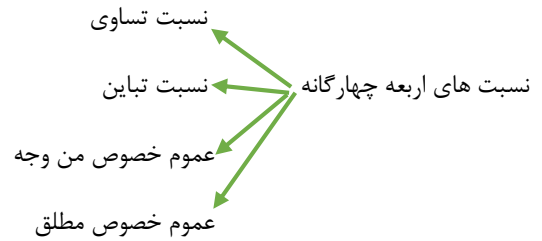
ظن و حرص برخاسته از نیمه آگاهی و هوای نفس برخاسته از ناخود آگاه است

جهل محصل ناخود آگاه است



*در قرآن بزرگترین لغزشگاه بشری که نمی زاره تفکر رو دنبال کنه پیروی از ظن و گمان





مبحث قلب

قلب در قرآن

- ۱- ادراک و تعقل ← فتکون لهم قلوب یعقلون بها
- ۲- مقوله انفعال و احساس ← لو کنت فضلا غلیظ القلب لانفصوا من حولک
- ۳- مقوله عمل و فعل ← ولکن یواخذکم بما کسبت قلوبکم

قلب و نفس معانی مترادف یکدیگرند و دارای سه مرتبه

- ۱- نفس اماره مشابه قلب اثم
- ۲- نفس لواحه مترادف قلب محزون
- ۳- نفس مطمئنه به معنی قلب مطمئن

- ۱- دسته ای که انسان با آن زاده شده مثل انسان ضعیف، آزمند، حریص، شتابگر، عجول
- ۲- جنبه محیطی داره مثل طغیان علیه خدا و حق
- ۳- محدودیت های ارادی و به اختیار و اراده انسان است مثل مکر و فریب، نیرنگ، دروغ

جبر و اختیار

پاسخ های ارائه شده به منکرین اختیار

مشیت الهی

علم خدا

ملائکه و شیاطین

نظام حکومتی

فرهنگ احتمالی

اشخاص برجسته اجتماعی

نظام خانواده

توارث

مبحث غریزه و فطرت

غریزه ← گرایش درونی و ذاتی به سمت رفتارهای مشخص.

در مورد غریزه نظریات داروین، رواقیون، مک دوگال، ویلیام جیمز

دیدگاه داروین	دیدگاه رواقیون
<p>۱- پاره ای از رفتارها هوشمندانه است نه اکتسابی</p> <p>۲- غریزه یک بازتاب پیچیده است</p> <p>۳- انعطاف پذیری غریزه</p>	<p>۱- غریزه مستقل از تجربه</p> <p>۲- مفید و سودمند برای سازگاری</p> <p>۳- یکنواختی، کلیشه های رفتاری مشخص</p>
<p>دیدگاه ویلیام جیمز</p> <p>غریزه مختص اعمال هدف دار است هر چند آگاهی از هدف اساسی به شمار نمی آید</p>	<p>دیدگاه مک دوگال</p> <p>۱- غریزه تمایل فطری، روانی، ارثی می دانست که تحت تاثیر آن موجود طبقه معینی از اشیاء را درک می کند به محض درک آن حالت هیجانی خاصی پیدا می کند و رفتار به خصوص از خود نشان می دهد</p>

غریزه از نگاه اسلام

مهم ترین نماینده امام علی است که فرمودند غرایز ذات موجوداته و دارای یه سری ویژگی ها در خلقت و طبیعت هر موجودی وجود دارد که عامل تفاوت هاست و در حدیثی می گوید العقل غریزه تزدب العلم والتجارب = عقل نوعی غریزه است که با علم و تجربه افزایش می یابد این عقل

۳ ویژگی دارد ←

۱- منحصر به فرد است

۲- از شدت وضعف برخوردار است

۳- تحت تاثیر تجربه و محیط است

امام علی دونوع عقل را بیان می کند ← عقل مطبوع
 عقل مسموع (عقل طبیعی، عقل اکتسابی)

که شامل یه سری ویژگی هایی هستند

۱- غرایز اساس آن ها غیر اکتسابی است

۲- یکی از عوامل افتراق بین موجودات مختلف است (خطبه ۹۱/۹۰)

۳- غرایز تحت تاثیر عوامل محیطی و اکتسابی قابلیت تغییر و دگرگونی دارند

۴- میزان دگرگونی غرایز با توجه به ظرفیت های یادگیری موجودات متفاوت است

۵- تمامی موجودات اعم از انسان و غیر انسان دارای غرایز است

امام علی در نامه ای به مالک اشتر می نویسد با سه گروه از افراد مشورت نکنن.

اسراف

حد افراط

جود سخاء

حد وسط

افراد بخیل

حد تفریط

تهور

حد افراط

شجاعت

حد وسط

جبن

حد تفریط

قناعت

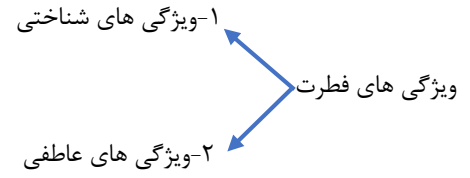
حد وسط

حرص

حد تفریط

فطرت ← به معنای شکافتن و اختراع و انشاء کردن، خلقت اولیه، غوره و قارچ

از لحاظ مفهومی در قرآن
 صبغت
 عهد و میثاق
 حنیفت



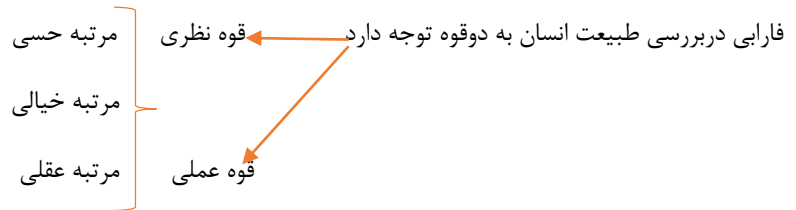
*تفاوت غریزه و فطرت:غرایز در محدوده زندگی مادی هستند ولی فطرت با مسائل انسانی یا ماوراء حیوانی مربوط می شود.

*دین منطبق بر فطرت و ذات انسان است ' دین تابع فطرت ماطراحی شده در دین یکتا پرستی و هدایت اهمیت دارد و فطرت مانیز حنیفت ' خدا جو' حقیقت جو است انسان خلقت خاص خود را دارد.

مبحث انسان از دیدگاه فلاسفه اسلامی

انسان از دیدگاه فارابی

فارابی کسی است که درباره انسان کامل اندیشیده و رهبری مدینه فاضله داشته و اصطلاحات الفيلسوف، الامام، الرئيس الاول، الفيلسوف الكامل، الكامل علی اطلاق همه را به مفهوم انسان کامل بکارمی برد. فارابی معتقد است انسان دارای ۲ گونه صفت است: صفت حمیده و صفت رذلیه



کامل ترین انسان ها از دیدگاه فارابی

- ۱- اعضای بدنش کامل باشد
- ۲- تیزفهم و سریع القصور باشد
- ۳- از حافظه قوی برخوردار باشد
- ۴- تیزهوش باشد
- ۵- خوش بیان باشد
- ۶- دوستدار علم باشد
- ۷- در خوردن و آشامیدن حریص نباشد
- ۸- دوستدار راستی و راستگویان باشد
- ۹- از عزت نفس برخوردار باشد
- ۱۰- به زیورهای دنیوی بی اعتنا باشد
- ۱۱- دوستدار عدالت و دادگری باشد
- ۱۲- از آزاده قوی برخوردار باشد

انسان از دیدگاه محی الدین عربی

از نظر ابن عربی **انسان عالم کبیر است و عالم انسان صغیر است** و نیز انسان را خلیفه و کون جامع نام نهاد و از انسان با نام انسان العین الحق یاد کرده است.

*سیروسلوک برای رسیدن به کمال مهم ترین شیوه ابن عربی به شمار می آید.

انسان از دیدگاه شمس تبریزی

انسان موجودی باارزش است از نظر وی انسان گوهری شریف است که نمی توانیم هر نقشی بدیم. انسان باید بیشتر به شناخت درون و عالم نفس توجه داشته باشد. از نظر شمس رهایی از خودپرستی مساوی با خداپرستی است

*روشن بینی و اشراق در دیدگاه شمس از عقل و خرد بالاتر است.

انسان از دیدگاه مولوی



انسان از دیدگاه ملاصدرا

انسان از نگاه ملاصدرا عقل موید نقل است و نقل مکمل عقل است. در علوم معقول و منقول تاکید بر معقولات برای انسان و منقولات فقط وجه مکمل است ملاصدرا خودشناسی را فضیلتی برای انسان می داند و معتقد است

۱- به واسطه شناخت نفس تمامی اشیاء شناخته می شود

۲- هر کس نفس خود را بشناسد عالم خلقت را خواهد شناخت

۳- به وسیله شناخت نفس انسان می تواند عوالم روحانی و مجرد از ماده را بشناسد

۴- هر کس نفس خود را شناخت دشمن خود را خواهد شناخت

۵- هر کس نفس خود را شناخت می داند که چگونه باید آن را اداره کند

۶- هر کس نفس را شناخت در هیچ کس عیبی نمی بیند

۷- هر کس نفس خود را بشناسد خدای خود را شناخته

نطق ظاهری

ویژگی های که در سایر موجودات طبیعی دیده نمی شود

تعجب از امور انفعالی

گریستن

خجالت

خوف و رجاء

ادراک معانی عقلیه

در مورد تمایلات انسان ملاصدرا معتقد است انسان در برخورد با امور چهار حالت را از خود نشان می دهد

۱- اموری که شهوت خرسند و عقل ناخرسند

۲- اموری که عقل تمایل دارد ولی شهوت دوری می کند

۳- اموری که عقل و شهوت راضی هستند

۴- اموری که نه عقل و نه شهوت به آن تمایل ندارد

نفس اماره

نفس لوامه

نفس مطمئنه

نفس ملهمه

نفس انسان از دیدگاه ملاصدرا

عقل هیولانی

عقل بالملکه

عقل بالفعل

عقل مستفاد

ملاصدرا برای عقل نظری هم مراتبی قائل است

تهذیب ظاهر

تهذیب باطن

نورانی نمودن نفس

فنائی نفس از ذات

ملاصدرا برای عقل عملی هم مراتبی قائل است